

هو العليم

هدف حج، رسیدن به حقیقت عبودیت

و برخی از احکام حج

بیانات

آیه الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی

قدس الله سره



أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم

وقتی که به بنده فرمودند عده‌ای از رفقا قصد دارند که ملاقاتی بشود. خیلی من اظهار خوش وقتی کردم، و [گفتم] مجلس بسیار مغتنم است و زیارت زوَّار بیت‌الله اقتضا می‌کند که انسان وقت خودش را و فرصت خودش را [مغتنم بشمارد]؛ زیارت افراد خیلی مغتنم است.

و برای خود بنده هم خیلی موجب خوش وقتی است. منتهی مطالبی که باید خدمت رفقا عرض بشود، عرض شده است. منتهی اگر قرار بر این است که کسی سؤالی داشته باشد، چه راجع به مطالب مربوط به جنبه باطنی و معنوی و روحانی، و چه مسائل شرعی، بنده در خدمت رفقا هستم. و مطالبی را که به نظر قاصر می‌رسد براساس همان کیفیت و ممشایی که از بزرگان نسبت به این مسئله به یاد دارم عرض می‌کنم. و ظاهراً این [سؤالات] هم مطالبی است که راجع به مسائل شرعی و [معرفتی] است که حال به اینها می‌پردازیم.

عنایت الهی در زیارت خانه خدا

از باب مقدمه عرض کنم که: ما باید این توفیقی که نصیب زائرین بیت‌الله می‌شود را مغتنم بشماریم، یعنی مسئله زیارت حج و زیارت بیت‌الله و پس از آن زیارت معصومین علیهم السَّلام در مدینه - و یا قبل از آن، از این نظر تفاوتی ندارد - یک موهبت الهی است! موهبتی است که واقعاً خداوند نصیب عده‌ای می‌کند. و چقدر مهم است که ما متوجه بشویم که خدای متعال خواسته است یک قدری ما را متوجه کند، یک قدری ما را از این تفکرات اعتباری و تخیلات و توهمات بیرون بیاورد، یک سری هم به جای دیگر بزنیم و ببینیم خبرهای دیگری هم هست.

مسئله و زندگی ما فقط در همین حول و حوشِ صبحِ سرِ کار بیرون رفتن و شب برگشتن و بعد انس با اهل و عیال و شریک و رفیق و زندگی را گذراندن، و در ضمن هم یک نماز و روزه‌ای هم گرفتن و خواندن [نیست] و مسئله فقط به این بر نمی‌گردد! یک مطالب دیگری هم هست، یک عوالم و حقایق دیگری هم هست که خدای متعال خواسته است که اینها را با تغییر و تحوّل به ما بفهماند.

چون اگر ما در زندگی خودمان بودیم، هیچ وقت اینها را نمی‌فهمیدیم! صبح که از منزل بیرون می‌آییم،

یا به دفتر و کارخانه و مغازه می‌رویم یا به فلان سازمان و اداره می‌رویم؛ تمام آنچه که در حول و حوش ما می‌گذرد، مسائل مُنسیّه و به‌فراوشی‌اندازنده‌ما از آن مطلب اصلی و مسئله حقیقی است! چه کسی مثل شخصی از اولیای الهی پیدا می‌شود که با توجه به این مسائل آن جهت را هم لحاظ کند و بتواند با یک‌دست دو وزنه بردارد. و بتواند در یک حال آن حالت وحدت و حالت انس و حالت ربط را هم حفظ کند؟! کجا چنین چیزی پیدا می‌شود؟!

لذا خدای متعال برای ما راهی قرار داده است، که خود را با جدا کردن از آن محیطی که با او مأنوس هستیم، بتوانیم این جدا کردن ظاهری را مقدمه‌ای برای تغییر و تحولات قرار دهیم؛ از زندگی خود بیرون می‌آییم و وارد جایی و فضایی می‌شویم که همه انبیاء الهی و پیغمبران گذشته در این فضا آمده‌اند. الآن [سفر حج] با این وضعیت و کیفیت و با این نحو از معیشت و پذیرایی وجود دارد، سابق که این‌طور نبود! اگر به سیصد سال پیش برگردیم، به دویست سال پیش برگردیم، در آن موقعی که هیچ کدام از وسایل امروزی وجود نداشته است؛ گرمای شصت درجه مکّه را در نظر بیاوریم، بدون اینکه پنکه‌ای بوده باشد! باران و بادهای آن موقع را در نظر بیاوریم، بدون اینکه یک وسیله نقلیه و ماشین و وسایل امروزی بوده باشد! مردم چطور بین مدینه و مکّه را طی می‌کردند؟ با الاغ و شتر و یا پیاده طی می‌کردند!

الآن مسائل به این کیفیت و به این نحو آسان و سهل است. تمام سختی مکّه فقط همان دو سه روزی است که انسان به عرفات و بعد به مشعر و منی می‌رود که آه و ناله او هم به فلک می‌رسد: «ای وای چه شده است! ای داد به کجا رسیده است!» در حالی که در سابق عرفات این‌طور نبود، این درختان و آب نبود، این وضع نبود! مشعر و منی این‌طور نبود! خب ما باید به این مطلب فکر کنیم که خداوند ما را در جایی آورده است که همه انبیا با آن مراتبشان و با آن مسئله و وضعیتشان و با آن شناخت و معرفتشان باز به اینجا می‌آیند، باز می‌آیند و در همین جا طواف می‌کنند.

حج از نظر اهل بیت و اولیای الهی

امام حسن علیه السلام بیست و پنج مرتبه زیارت خانه^۱ خدا کرد. و بسیاری از آنها پیاده بود! یعنی حضرت از مدینه تا مکّه را پیاده طی می‌کردند، درحالتی که مرکب جلوی ایشان بود! خب واقعاً امام چه مسئله‌ای را احساس می‌کند؟ جایی که امام علیه السلام چنین حال و هوایی دارد! امام سجاد با آن وضع پیاده به مکّه می‌رفت، موسی بن جعفر پیاده به مکّه می‌رفت و آن حضرت را در بین راه مکّه دیده بودند، امام رضا علیه السلام و سایر ائمه همین‌طور؛ خود رسول خدا پس از آمدن از مکّه فرمودند:

^۱. جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب اسرار ملکوت، ج ۱، ص ۱۵۰.

چون مرا از مگه بیرون کردند دیگر به عنوان خانه و سُکنی نمی‌گزینم ولی نمی‌توانم از کعبه دل بکنم!^۱ و این معنا، خیلی معنای عجیبی است که پیغمبر می‌فرماید: «چون مرا از مگه بیرون کردند دیگر به عنوان خانه و سُکنی نمی‌گزینم ولی نمی‌توانم از کعبه دل بکنم! حضرت چندمرتبه به حج آمدند؛ حضرت بعد از آمدن به مدینه چندمرتبه به مگه آمدند که آخرین آن همین حجة‌الوداع بود که مأمور به نصب ولایت برای امیرالمؤمنین علیه السلام شدند! حالا خداوند توفیق داده است که ما به چنین جایی مشرف شویم.

بنابراین اول چیزی که باید ما در نظر بگیریم این است که فکر خود را از ارتباط با آن محیط بیرون بیاوریم و هرچه بیشتر بیرون بیاوریم بیشتر کاسبی کرده‌ایم! اما اگر بلند شویم و بیرون بیاییم و مدام صبح، عصر، شب تلفن کنیم، فردا تلفن کنیم، نه! دیگر از آن محیط بیرون آمده‌ایم؛ بنده نمی‌گویم که انسان قطع کند، نه! گاهی تلفن بزند و اشکالی ندارد، بالأخره برای آنها تجدید خاطراتی می‌شود، برای افراد موجب انبساطی می‌شود؛ اما باید فکر آزاد باشد! خدا دوست ندارد کسی که به زیارت خانه او می‌رود، فکرش را هم با آن تعلقات با خودش بیاورد و همراه با آن تعلقات طواف کند و در لیبکی که می‌گوید تعلقات باشد! وقتی که ما از منزل بیرون می‌آییم باید بگوییم: خدایا ما آمده‌ایم، دیگر هرچه در کاسه ما ریختی، ریختی! دیگر ما جدا شده‌ایم، دیگر از آن شراکت جدا شده‌ایم.

علت پوشیدن یک لباس خاص در حج

لباس احرام حکایت از همین مطلب می‌کند و همین‌طوری نیست که ما لباس را در بیاوریم و لباس احرام بپوشیم! خب خدا می‌گفت با همین کت و شلوار و یا با همین عبا و قبا هم می‌توانی مُحَرَّم بشوی و منظور نیت است! نه، منظور خدا در اینجا این است که واقعاً بیرون بیاییم، واقعاً جدا بشویم، لباسمان را هم بکنیم و دور بیندازیم، این لباس به درد اینجا نمی‌خورد! و اگر می‌شد که انسان برهنه لَبِیک بگوید، خدا همین احرام را هم برمی‌داشت! همین احرام را هم برمی‌داشت و همین مقدار تقیّد هم برمی‌داشت! ولی خب دیگر این نمی‌شود.

کیفیت احرام زنان در حج

لذا خداوند آمده و همه تعینات را در اینجا برداشته است؛ گفته است مرد باید احرام بپوشد، اما لباس احرام زن فرق می‌کند؛ جمال و ارزش زن در چهره او تبلور پیدا می‌کند، باید این چهره نمودار باشد و نمی‌تواند بپوشاند! بعضی از این مقدّس‌ها هستند که در آنجا می‌آیند و روی خودشان را می‌پوشانند! نه خیر، این غلط است و باطل است؛ باید چهره زن پیدا باشد. مرد وظیفه ندارد و حرام است نگاه کند، اما نه اینکه زن [روی خود را بپوشاند!] یا بعضی‌ها می‌آیند و چیزی جلوییشان می‌گذارند که آن چهره مشخص نباشد! این هم باطل است

^۱ . التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ج ۱، ص ۴۵۵.

و این هم غلط است. مقدس مآبی در اینجا راه ندارد، انسان باید دینی را برگزیند که او اختیار می کند، ما دیگر نباید کاسه داغ تر از آش بشویم، او می گوید باید چهره را نشان بدهی! مرد وظیفه ندارد نگاه کند و اگر نگاه کند کار حرام انجام داده است و آن به جای خود! بله، زن می تواند صورت خود را برگرداند و این اشکال ندارد؛ وقتی می بیند که [مورد] توجه مردها است یا ممکن است در جایی [مورد توجه قرار بگیرد]، می تواند صورت را برگرداند یا سر را پایین بیندازد. اما اینکه بخواهد بپوشاند نه خیر! مطلب به این کیفیت نیست. خلاصه خدا در اینجا گفته است: از خودت دین درست نکن! آن دینی را که من گفته ام، همان را انجام بده!

من در بعضی از این رساله های عملیه خوانده ام که گفته اند:

طواف مستحب انجام ندهید، چون ممکن است در حین طواف بین زن و مرد تماس پیدا بشود و تماس حرام است! بنابراین طواف مستحب باطل است و باید انسان به همان طواف واجب اکتفا کند.

نه خیر! این فتوا باطل است و هیچ صحّت ندارد و هیچ منبع شرعی ندارد و من در آوردی است و انسان باید در آنجا طواف کند؛ اگر تماس حرام است، دیگر فرقی بین واجب و مستحب ندارد و خدا باید طواف واجب را هم بردارد! انسان باید طواف کند، مستحب است؛ هزار بار، ده هزار بار، صد هزار بار، هر چه بود! اگر تماس پیدا شد، شد؛ و اگر تماس پیدا نشد، نشد؛ ما نباید در آنجا خود را در معرض تماس قرار دهیم. اینکه خصوص زن باید کنار برود، تفاوت نمی کند! در آنجا بین مرد و زن فرق نمی کند؛ اگر تماس برای زن حرام است، برای مرد هم حرام است و هیچ فرقی نمی کند.

یکی از مسائلی که مرحوم آقا راجع به اینکه حرم امام رضا را بستند می فرمودند [این بود]:

این کار غلط است. باید افراد دور حرم امام رضا طواف کنند؛ حال اگر به همدیگر برخورد می کنند، برخورد نکنند! نباید توجه داشته باشند؛ نه اینکه بیایند و حرم را ببندند به نحوی که جلوی طواف گرفته شود!

آیا شیطان در همه جا هست؟

این را چه کسی می فهمد؟ آن کسی که ولی خدا است و می داند در اینجا چه خبر است! اگر قرار بر این است که شیطان باشد، شیطان هم در حرم امام رضا است و هم در مکه است، در همه جا هست. این پول هایی که سُرّاق^۱ از جیب ها در حرم می زنند، برای چیست؟! به خاطر شیطان است دیگر! این نگاهی که ممکن است در حرم نسبت به یک نامحرم بیفتد برای چیست؟! به خاطر وسوسه شیطان است!

نباید بگوییم چون اینجا حرم امام رضا است پس اینجا شیطان نیست! نه خیر، شیطان آنجا هم هست، شیطان آنجا هم می آید و حضور خودش را رسماً اعلام می کند؛ در کعبه هم همین طور است، در مسجد الحرام

^۱. دزدها

هم همین طور است، در مسجدالنبی هم همین طور است، همان شیطان می رود جلو می ایستد و نماز می خواند و همه هم به او اقتدا می کنند! این طور نیست؟ معاند و دشمن امیرالمؤمنین امام جماعت می شود و بعد هم بقیه به او اقتدا می کنند؛ این شیطان است دیگر! اصلاً به تمام قیافه او نگاه کنی، شیطنت می بارد و کدورت و ظلمت سراپای وجود آنها را گرفته است و انسان غیر از لقلقه لسانی چیزی از آنها مشاهده نمی کند. این به خاطر این است که دست آنها از امیرالمؤمنین کوتاه است، از ولایت کوتاه است؛ به دنبال هوای دنیا است. بدبختی دنیا و آخرت را برای خودشان خریده اند!

بنابراین انسان نباید به این مطالب توجه کند. انسان می تواند طواف را همه وقت انجام بدهد و بین مستحب و واجب فرق نمی کند؛ منتهی نباید توجه بکند، باید انسان در موقع طواف ذکر بگوید، توجه به کعبه داشته باشد، توجه به الله داشته باشد، اصلاً ذهنش را نباید بیاورد که الآن کنار و جلو و عقب او کیست و با چه کسی طواف می کند! اصلاً نباید این مطالب در ذهن بیاید.

تأثیر سفر حج بر انسان

مسئله اساسی این است که ما از تمام افکار بیرون بیاییم و نیاز نیست که به خدا فکر کنیم، همین قدر فکر نداشته باشیم و فرمان جای دیگر نباشد، خدا خودش در آنجا می آید! مدام به خدا فکر کردن فایده ای ندارد، نتیجه ندارد، ما می خواهیم به چه چیز خدا فکر کنیم؟ چیزی ندارد! خدا می گوید خودت را از تعلقات بیرون بیاور من به جای آن وارد می شوم! پس ما در مکه، در اعمال و در موارد مختلف [باید خود را از تعلقات بیرون بیاوریم!] البته حالات در عرفات و [جاهای دیگر] تفاوت پیدا می کند. همان طور که بنده عرض کردم رفقا توجه کنند و با توجه به نوارهایی که راجع به این مسئله است،^۱ اگر مطلبی بود و به نظرشان رسید، مسئله را بفرمایند.

آنچه که در موقع احرام و در موقع طواف و در مسجدالحرام و به طور کلی، در یک بینش کلی برای یک زائر بیت الله مهم است، این است که دیگر در آنجا واقعاً برای خود حساب باز نکند! از این حساب هایی که در این دنیا بوده و توقعاتی که در نفس خود پرورانده و با آن توقعات زندگی کرده است؛ توقع دارد به او سلام کنند، توقع احترام دارد، توقع دارد وقتی که می آید بلند شوند و به او جا بدهند تا بنشیند، توقع دارد وقتی که می آید، راه را باز کنند؛ واقعاً تمام این توقعات خیالی و پوچ و بی ارزش را کنار بگذارد! اولیای الهی و سلاک و زائرین واقعی بیت الله بودند که [تمام این توقعات خیالی و پوچ و بی ارزش را کنار گذاشتند].

۱. رجوع شود به نرم افزار آوای ملکوت، جلسات اسرار و مناسک حج.

آقا شیخ محمد بهاری در حج

در سفری که مرحوم آقا شیخ محمد بهاری رفته بود، ایشان به گونه‌ای در کاروان بود که تا آخر سفر کسی نفهمید که این آقا شیخ محمد بهاری است! به زوار خدمت می‌کرد، برای آنها چایی می‌آورد و ...؛ مرحوم آقا شیخ محمد دیگر! از شاگردان معروف آخوند ملا حسینقلی همدانی! تمام وقتی که ایشان در مکه بود، آن‌طور بود، مثل یک آدم معمولی، همین لباس عربی می‌پوشید، بدون اینکه عمامه‌ای بگذارد و توجه شخصی نسبت به او جلب شود، مثل یکی از افراد می‌رفت آب می‌آورد، می‌رفت برای شستشوی افراد آب می‌آورد و در کارها کمک می‌کرد. همه افراد کاروان خیال می‌کردند که ایشان یک آدم عادی و مثل بقیه افراد است، می‌خواهد برای خدا خدمت کند؛ وقتی که تمام شد و ایشان هم به نجف آمد، بعضی از آن افراد دیدند که عجب! اصلاً بهشتیان برد که چطور در تمام این مدت کسی نفهمیده بود که این چه شخصیتی است! ببینید، انسان باید این‌طور احرام ببندد، خدا این‌طور زائری می‌خواهد! اما اگر انسان بخواهد با همان توقعات و با همان تفکرات و با همان نیت‌ها حج انجام بدهد، نصیب او کم خواهد بود.

نکاتی که در سفر حج باید رعایت شود:

زیاد صحبت نکردن

رفقا با افراد خیلی صحبت نکنند، با افراد عادی خیلی حرف نزنند؛ مردم همیشه در حال خودشان هستند و خودتان خواهید دید و دیده‌اید که در مکه هم که شده است چه حرف‌هایی می‌زنند! در جلساتشان چه مطالبی می‌گویند، مردم به چه مطالب پوچی گرفتار هستند و سر چه مطالبی با هم دعوا دارند! واقعاً خیلی حیف است که انسان این چند روز را بخواهد با صحبت با اغیار برای خودش دردسر درست کند و از سهم خود کم بگذارد؛ اگر می‌خواهید صحبت بکنید، با خودتان صحبت کنید، لازم نیست از مسائل مختلف و جریان‌ها و مسائل اجتماعی و مطالب مختلف بگویید، سرتان به کار خودتان باشد، از آن فرصت‌هایی که برای شما پیدا شده است استفاده کنید؛ متوجه هستید چه می‌خواهم عرض کنم؟!

مواظبت بر وقوف در عرفات

شب عرفه را قدر بدانید، صبح که می‌شود بلند شوید و بروید جایی و گوشه‌ای برای خودتان بنشینید و به گناهان و به خطاها و به لغزش‌ها [فکر کنید؛] روز عرفه خیلی مهم است! خیلی مهم است! بروید گوشه‌ای برای خودتان [بنشینید] بدون اینکه با این و آن صحبتی کنید و مسائل مختلف وقت شما را بگیرد و حال شما را از بین ببرد؛ خودتان را باید از آن روز برای بعد از ظهر عرفه آماده کنید، باید از صبح آن روز آماده کنید، نگذارید افکار مختلف بیاید و شما را از آن حال و هوا در بیاورد! روز، خیلی روز مهمی است؛ همه چیز روز عرفه است و در روایت داریم:

«الْحَجُّ عَرَفَةُ؛^۱ اصلاً تمام حج روز عرفه است!»

متوجه حساسیت حال و هوا و زمان و مکان باشیم و ادعیه‌ای که در آنجا وارد است و انسان می‌تواند به ادعیه بپردازد؛ اگر حال دعا خواندن ندارد برود یک گوشه بنشیند و فقط فکر کند، فقط به خودش مشغول باشد، به رحمت پروردگار نگاه کند، به عظمت پروردگار نگاه کند، به ناچیزی خودش نگاه کند، به این همه درد و مصیبت و گرفتاری که برای خودش درست کرده است و برای او درست کرده‌اند نگاه کند! بگوید: خدایا من واقعاً می‌خواهم دیگر از این گرفتاری بیرون بیایم، نمی‌خواهم وقتی که از مگه برمی‌گردم فرد سابق باشم، می‌خواهم یک فرد جدید و با یک روحیه جدید باشم؛ خدا هم او را کمک می‌کند! راست بگوییم، صدق داشته باشیم، خدا کمک می‌کند.

مگر همین امروز نفرمودند! ابن سَمَّاک به آن شخص می‌گوید:

[خدای متعال می‌فرماید:] کسی که یک وجب به سمت من بیاید و به سمت من اقبال کند، من ده وجب به سمت او می‌آیم!^۲

کسی که اقبال نکند، ما هم اقبال نمی‌کنیم؛ ما این قدر افراد خلق کرده‌ایم که به سراغ آنها برویم و دست آنها را بگیریم! خیال نکنید حالا اگر ما به سمت خدا نرفتیم کار خدا کساد است! نه خیر آقا، خیلی هم آباد است! آباد!! هیچ نیازی به ما ندارد، هیچ! ابد! می‌گوید صد هزاران مثل تو برفتند پی کارشان! اصلاً نیم‌نگاهی هم به شما نمی‌کند! اما نه، هستند افرادی که به ما روی می‌آورند و ما هم با تمام وجود به آنها روی می‌آوریم.

اظهار عجز و بندگی

بنابراین این معنا را در روز عرفات بگوییم که ما در دستگاه خدا حساب نداریم! برای خودمان دکان‌داری نکنیم و کتاب و مکتب راه نیندازیم و با کوله‌بار به آنجا نرویم. آنجا متاع بی‌چیزی می‌خرند، متاع عبودیت می‌خرند، متاع ندانم‌کاری می‌خرند، متاع پشیمانی و توبه می‌خرند، آنجا این طور است. اگر بخواهیم با خودمان [چیزی] ببریم، آنجا خریدار ندارد! آنجا این مسائل خریدار ندارد و چه بسا ممکن است افرادی که برحسب ظاهر خیلی دارای عنوان هستند و حتی عناوین دینی و الهی دارند، چندان به آنها توجه نمی‌شود! اما به فردی

۱. عوالی اللآلی، ج ۲، ص ۹۷، به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

۲. إحياء علوم الدين، ج ۳، ص ۹؛ من تقرب إلى شبراً تقربت إليه ذراعاً...؛ اسرار ملکوت، ج ۳، ص ۲۷۱: محمد بن الحسین - رحمه الله - گفت: معروف را به خواب دیدم، گفتم: خدای عزوجل با تو چه کرد؟ گفت: «مرا بیامرزید.» گفتم: به زهد و ورع؟ گفت: «نه، به قبول یک سخن که از پسر سَمَّاک شنیدم به کوفه که گفت: "هرکه به جملگی به خدای تعالی بازگردد، خدای عزوجل به رحمت بدو بازگردد و همه خلق را بدو بازگرداند." سخن او در دل من افتاد و به خدای بازگشتم و از جمله شغل‌ها دست برداشتم، مگر خدمت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام).»
این سخن او را گفتم. گفت: «اگر بپذیری این تو را کفایت.»

که گوشه و کنار است و سر به زیر است و خیلی مطرح نیست و هیچ کس به او اعتنا نمی کند، به او توجه می شود! خلاصه، آنجا چنین حساب و کتابی است.

پس رفقا که در این مدت با مکتب بزرگان آشنا شده اند، خودشان می دانند که دیگر کم کاری خسارت است! حالا که ما مطلب را فهمیدیم و مسئله را یافتیم و حقیقت مطلب به دست آمده است، دیگر اگر بخواهیم وقت خود را به مطالب متفرقه و این طرف را دیدن و آن طرف را دیدن و حرف های اجتماعی و این چه کرد و آنچه کرد و آنجا چه خبر است و اینجا چه خبر است بگذرانیم [موجب خسارت است!] رفقا، دیگران گذراندند و خسارت آن را هم دیدند و صدها سال بر این قضیه گذشت و تاریخ هم چنان می گذرد! زرنگ و رند و کیس آن کسی است که بیاید و تجربه افراد خاسر را دیگر دوباره تجربه نکند؛ بلکه به همان مطالبی که بزرگان فرموده اند عمل کند تا اینکه خودش نتیجه را ببرد و آنچه را هم که برای ما بیان می کنند گواه و تأیید همین مسئله است.

پرسش و پاسخ

حال آن [سؤالاتی] را که الآن رفقا دادند را ببینم که در چه حدی است و برحسب فرصت در وقت اگر مطلبی به نظر می رسد خدمت رفقا عرض می کنم.

نماز جماعت در حج

سؤال: در مورد نمازهای واجب که شما فرمودید به صورت فردی ولی در صف آنها باشید، نظر جنابعالی به این صورت بهتر است یا اینکه به صورت فردی و به تنهایی بخوانیم؟
جواب: نه، بهتر این است که اگر چنانچه در موقع نماز با آنها هستیم، همان نماز را به آن شکل بخوانیم، یعنی نیت اقتدا نمی کنیم و فقط در فعل اقتدا می کنیم، یعنی او به رکوع می رود انسان هم به رکوع می رود، او بلند می شود انسان هم بلند می شود، ولی فردی می خواند! و ما آن حمد و سوره را آهسته بدون اینکه مخالف با تقیه باشد انجام می دهیم.

سؤال: آیا در مسجد الحرام و مسجد النبی نمازهای مستحبی، نماز حضرت امیرالمؤمنین یا فاطمه زهرا را می توانیم بخوانیم یا فقط نمازهای یومیّه واجب؟
جواب: نه، اشکال ندارد؛ می شود هر نمازی را خواند.

سؤال: آیا می توانیم نوافل را هم بخوانیم؟
جواب: بله، نوافل را هم می شود در آنجا خواند. البته رفقا این را بدانند که در هر جای مکه و مدینه می شود نماز را تمام خواند و این طور نیست که فقط اختصاص به مسجد النبی داشته باشد! در هر نقطه از مدینه، چه مدینه قدیم و چه مدینه جدید [نماز تمام است] و حتی توسعه پیدا کرده است، به خصوص در مکه! مکه

قدیم و جدید ندارد و این مسئله در مورد احرام هم هست؛ ما می‌توانیم از هر نقطه‌ای از مکه محرم بشویم، هم مکه قدیم و هم مکه جدید، هر دوی آنها از این نقطه نظر تفاوتی نمی‌کند. حالا بعضی‌ها احتیاط می‌کنند که در همان مکه قدیم که نزدیک مسجدالحرام است احرام ببندند، آن مطلبی است؛ ولی اگر نشد اشکالی ندارد. در تمام مکه نماز تمام است، گرچه انسان می‌تواند قصر هم بخواند، ولی تمام است. در تمام مدینه هم نماز تمام است و اختصاصی به مسجدالنبی ندارد. و خصوصیتی در مکه هست و رفقا این مطلب را بدانند که دیگر در مکه، جلو بودن مرد شرط نیست و این فقط اختصاص به مکه دارد! اگر مرد جلوی زن باشد، یا زن جلوی مرد باشد و یا مساوی باشند، هیچ‌کدام اینها تفاوتی نمی‌کند؛ لذا هم مردها و هم خانم‌ها می‌توانند با خیال راحت در مسجدالحرام چه نماز واجب و چه نماز مستحبی خود را بخوانند و در صورتی که زن هم جلوی آنها باشد هیچ اشکالی ندارد! این فقط مخصوص مکه است و مدینه این طور نیست؛ باید در مدینه لحاظ شرایط بشود.

قرآن خواندن در حج

سؤال: خواندن قرآن که تأکید زیادی شده است، آیا با توجه به معنا بخوانیم؟ که در این صورت وقت بیشتری لازم است و ممکن است یک جزء یا بیشتر نتوانیم بخوانیم؛ یا اینکه یک جزء کامل بدون معنا بخوانیم؟ کدام بهتر است؟

جواب: نه، توجه زیاد به معنا نکنید؛ بلکه در آنجا نفس خواندن قرآن ملاک است و این نحوه قرآن خواندن با آن قرآن یومیه‌ای که رفقا می‌خوانند فرق می‌کند.

زیارت کعبه و حضرت رسول و ائمه

سؤال: آیا برای زیارت ائمه و حضرت رسول باید اذن دخول را بخوانیم؟

جواب: بله؛ بهتر است که انسان اذن دخول را بخواند.

سؤال: نماز زیارت ائمه بقیع قبل از زیارت خوانده شود یا بعد از آن و در کجا خوانده شود؟

جواب: نماز زیارت بعد از زیارت است و انسان در هر جا بخواند اشکال ندارد؛ انسان می‌تواند ائمه بقیع را زیارت کند و بعد بیاید در خود مسجدالنبی نماز زیارت بخواند. خوب نیست که انسان پشت بقیع - چطور اینکه مشاهده می‌شود! - نماز بخواند، چون این موجب صحبت است و چهره خوبی هم ندارد و موجب ازدحام و... است و حق هم دارند.

سؤال: ادب حضور در عرفات و منی و زیارت حرم مطهر رسول و خانه خدا را بفرمایید.

جواب: مطالب عرض شده است و دیگر نیاز به توضیح نیست.

سؤال: به محض دیدن کعبه افضل است که چه چیزی بخوانیم؟

جواب: چیزی لازم نیست! انسان لا اله الا الله و الله اکبر بگوید.

محرمات احرام

سؤال: استفاده از پماد یا کرم به علت ناراحتی پوستی در حال احرام چگونه است؟
جواب: بهتر است که پماد و کرم معطر نباشد، و اگر حتماً زدن پماد یا کرم معطر الزامی است، در این صورت بهتر است که بعد از اعمال - چه در آنجا و چه در اینجا - یک گوسفند به فقرا بدهد؛ البته بهتر است و واجب نیست! در صورتی که برای او [مانعی] باشد واجب نیست، بلکه بهتر است.

غار حراء و جبل الرحمه

سؤال: رفتن روی کوه در عرفات چه صورت دارد؟ بهتر است بالا برویم؟
جواب: نه خیر، رفتن بالای کوه در عرفات کراهت دارد؛ سَنی‌ها بالا می‌روند. بهتر است که انسان رو به قبله در سمت چپ بایستد و دعای روز عرفه را آنجا بخواند. خلاصه رفقا باید ارج و قیمت آنجا را خیلی بدانند.

سؤال: رفتن به غار حراء چه صورت دارد؟
جواب: خوب است! خیلی خوب است و اگر کسی می‌تواند، برود؛ آنجا متذکر جایگاه پیغمبر و آن حالات و خصوصیات بشود و خلاصه ارتباط برقرار کند. خیلی خوب است. البته بهتر است که انسان صبح قبل از طلوع فجر برود، چون بعد از طلوع فجر دیگر کم‌کم شلوغ می‌شود و زیاد افراد می‌روند؛ بهتر است در آن‌موقع برود تا اینکه به شلوغی آنجا برخورد نکند.

شک در طواف

سؤال: اگر در بین طواف در تعداد دورها شک کردیم تکلیف چیست؟
جواب: انسان باید در مورد طواف به حد متیقّن رجوع کند. البته اگر برای انسان قبل از نیم‌دور کامل، یعنی قبل از سه شوط و نیم شک پیدا شود و نتواند به هیچ‌وجه شک را برگرداند، باید طواف را از اول شروع کند؛ و اگر بعد از سه دور و نیم است به همان حد متیقّن عمل می‌کند و به آن مقداری که یقین دارد عمل می‌کند و طواف را ادامه می‌دهد.

احکام غسل

سؤال: آیا با یک غسل می‌توان چند نیت کرد؟
جواب: بله، ایرادی ندارد.
سؤال: غسل طواف کفایت از وضو می‌کند؟
جواب: بله، کفایت می‌کند و احتیاج به وضو نیست.

ذکرهای مربوط به ایام حج

سؤال: اگر ممکن است راجع به ذکرهای مربوط به این ایام و هم چنین آیه سوره بقره که در نوارهای قبلی فرموده بودید و قابل شنیدن است، دوباره توضیح بفرمایید.

جواب: این مطالب را بنده عرض کرده‌ام و چندمرتبه هم عرض کرده‌ام. ذکرهای این ایام، یکی اذکار توحیدی حضرت موسی است، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، و در مفاتیح هم نوشته شده است و ایرادی ندارد که انسان آنچه را که در آنجا هست بخواند.

سؤال: در مکه و مدینه در ایام غدیر کجا و به چه کاری اشتغال داشته باشیم بهتر است؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند. آنجا و اینجا ایرادی ندارد. بهتر است که انسان در همان اماکن متبرکه باشد.

احکام بانوان در حج

سؤال: آیا می‌توان قبل از رفتن به عرفات، یعنی حدود روز پنجم تا ششم ذی‌الحجه اعمال طواف نساء را انجام بدهیم؟ تا اگر عذر حاصل شد اعمال را [انجام داده باشیم].

جواب: نه خیر، انسان باید صبر کند و بعد انجام دهد؛ جایز نیست که قبل انجام بدهد.

سؤال: اگر ممکن است حضرت‌عالی نظر تان را نسبت به حکم شرعی مصرف قرص‌های ضد بارداری بفرمایید.

جواب: نیازی به مصرف این قرص‌ها نیست، بلکه بهتر است انسان همان‌طوری که خداوند برای زن تقدیر کرده است، همان‌طور انجام بدهد. بنده تضمین می‌کنم اگر کسی این قرص‌ها را نخورد به اندازه سر سوزنی از ثواب او کاسته نخواهد شد و طبق دستور انجام داده است و انسان بدون هیچ‌گونه مشکلی می‌تواند آنها را انجام بدهد! چرا انسان از آن مسیر طبیعی و مجرای طبیعی که خداوند تقدیر کرده است بیرون بیاید و چرا برای خودش تکلیف جدیدی درست کند و بخواهد دلخواه انجام بدهد؟! خداوند گفته است که باید زن به این قسم تکالیفش را انجام بدهد؛ احرام نیازی به طهارت ندارد، رفتن در صفا و مروه نیازی به طهارت ندارد، رفتن به عرفات و مشعر و منی و رمی نیازی به طهارت ندارد؛ فقط آنچه که احتیاج دارد طواف و نماز طواف است، همین! دیگر سایر امور احتیاج به طهارت ندارد؛ و آن هم انسان می‌تواند به تأخیر بیندازد و انجام بدهد، اگر چنانچه تا وقت حرکت توانست انجام بدهد انجام بدهد، و الاً شخصی را نائب می‌کند و از طرف او انجام می‌دهد. علی‌کل‌حال وقتی مطلب به این سهلی است، چرا انسان بخواهد خود را گرفتار کند و بخواهد تکلیف خود را عوض کند؟ پس بهتر این است که انسان از این قرص‌ها استفاده نکند و آنچه را که خداوند برای او تقدیر کرده است، همان را بپذیرد که اگر قرار باشد عنایت و موهبتی از جانب خدا باشد، پس بهتر است که انسان امور را به خود او واگذار کند تا بتواند به فیض بیشتری نائل باشد.

سؤال: شوهرم بنده را امر کرده است که قبل از فرا رسیدن اعمال حج واجب بنده شروع به خورن

قرص‌های ضدبارداری کنم تا رضایت ایشان جلب شود!

جواب: رضایت خداوند بر رضایت شوهر مقدم است.

سؤال: اگر خانمی مُحرم بود و عذر شرعی برای او پیدا شد و وقت داشته باشد که خودش اعمالش را انجام دهد، آیا به علت سختی محرم بودن، می‌تواند نائب بگیرد و یا بهتر است صبر کند و خودش اعمالش را انجام بدهد؟

جواب: اصلاً جایز نیست که نائب بگیرد و حرام است! وقتی کسی می‌تواند صبر کند، باید صبر کند. مُحرم بودن که سختی ندارد، چیزی نیست! پوشش خانم‌ها هم که همان پوشش معمولی است، چادر و همین لباس معمولی است که می‌پوشند. اتفاقاً باید ما این را هم بدانیم که هر مقدار وقت احرام در ما بیشتر باشد، فیض بیشتر به انسان می‌رسد! چون انسان خودش را بیشتر در حضور می‌بیند. همین که شما احرام بستید، آیا توجه به تحولی که در شما پیدا شده است نمی‌کنید؟ یک تحول و تأییدی [احساس می‌کنید که] با نیم‌ساعت قبل‌تان فرق کرده‌اید! همین تحول هرچه بیشتر باشد، بیشتر فیض می‌رسد و نتایج آن هم بیشتر خواهد بود. بنابراین طبعاً باید خانم‌ها بیشتر صبر کنند تا اینکه عذرشان برطرف شود و بعد بروند اعمالشان را انجام بدهند. و باید بگوییم که چه سعادت‌ی از این بالاتر که خداوند کاری کرده است که انسان خودش را بیشتر در حال حضور احساس کند!

سؤال: اگر خانمی عادت متغیّر دارد و با یقین بر اینکه مدت عذر او تمام شده است، مثلاً در روز هشتم عادتش، اعمال خود را انجام دهد و در روز نهم دوباره آلوده شود، وظیفه او چیست؟

جواب: اگر یقین دارد که روز نهم همان عادت است، باید اعمالش را دوباره تکرار کند.

سؤال: در مورد سنّ یائسگی، چه سنّی می‌باشد؟

جواب: سنّ یائسگی برای هاشمی و غیرهاشمی متفاوت است؛ پنجاه‌سالگی و شصت‌سالگی برای غیرهاشمی و برای هاشمی است. ولیکن اگر انسان به واسطه مرض یا به واسطه طبیعت خود فرد به حدّی برسد که دیگر اوقات عادت برای او منتفی شود، سنّ یائسگی او همان خواهد بود! اگر از سی‌سالگی یا چهل‌سالگی یا پنجاه‌سالگی دیگر خون ندید و این مسئله قطع شد، برای او همان [زمان] سنّ یائسگی است. ولی به‌طور معمول برای افراد عام، پنجاه‌سالگی و افراد سیّد و هاشمی شصت‌سالگی است؛ مگر اینکه به واسطه خوردن بعضی از داروها و تقویت بعضی از غدّد، این سن بالاتر برود و تجاوز کند، که باز در این صورت سنّ یائسگی بالا خواهد رفت. علی‌کل حال متعارف آن همین قدر است که عرض کردم؛ ولی برحسب اختلاف مزاج‌ها و شواکل و همین‌طور مسئله داروها و مسائلی که در طول زندگی برای انسان پیش می‌آید، ممکن است تغییر پیدا کند.

سؤال: چنانچه فردی در ایام حج یا نسه باشد، چه حکمی دارد؟ اگر خونی ببیند چه حکمی دارد؟
جواب: طبعاً باید استحاضه بگیرد و نماز و طواف او صحیح است و می تواند داخل در مسجدالحرام بشود، منتهی باید احکام استحاضه قلیله و متوسطه و کثیره را در اینجا رعایت کند.

سؤال: با توجه به نوارهای جنابعالی، در وقوف در مشعر و جمع کردن سنگ ها از مشعر، بعضی از کاروان ها این اجازه را به خانم ها نمی دهند که حتی از اتوبوس پیاده شوند تا هم چند قدم راه بروند و یا سنگ جمع آوری کنند؛ تکلیف چیست؟

جواب: در این حال اگر محرمی در خود کاروان دارند می توانند از آن محرم استفاده کنند و بگویند از مشعر برای ما سنگ جمع کن، اشکالی ندارد! و فردا که روز منی است این سنگ ها را به او تحویل بدهند که برود سنگ بزند و رمی کند؛ و یا اگر نمی توانند، آن سنگ ها را به نائب بدهند که از طرف آنها رمی کند. اگر شوهر دارند، برادر دارند، محرم دارند، و یا حتی آشنایی دارند - ممکن است یک مرد آشنایی باشد - برای او هم سنگ جمع کنند. سنگ جمع کردن از مشعر بسیار مستحب است و رفقا این را ترک نکنند! الآن می گویند از خود مکه سنگ جمع کنید! رفقا بدانید سنگی که از مکه جمع می کنند چون از حرم خارج می شود اشکال دارد! چون انسان نباید سنگ حرم را از حرم خارج کند؛ گرچه نیت او این است که بعد دوباره برگرداند و در منی رمی کند، ولی خارج کردن سنگ از حرم حرام است! می گویند سنگ را در مکه، از همان کوه های نزدیک خیابان هایی که فاصله دارد جمع کنید و حتی می گویند سنگ ها را هم بشکنید! شکستن سنگ کراهت دارد و آن سنگی که برای رمی است نباید شکسته باشد و باید سالم باشد، یعنی همین قدر که شکسته نباشد؛ و اندازه آن هم به اندازه یک نخود باشد کافی است! بیشتر نباشد که موجب اذیت دیگران و ایذاء آنها هم نشود. و بهتر است که سنگ ها سنگ های مُنَقَّش باشد، یعنی نقطه نقطه باشد. و این سنگ ها از مشعر جمع شود! بیرون بردن سنگ به عرفات، چون عرفات خارج از حرم است، شرعاً ایراد دارد! بنابراین رفقا از مکه سنگ جمع نکنند، بلکه از مشعر سنگ جمع کنند و حتی از خود منی هم می شود! اگر کسی از مشعر نمی تواند، از خود منی جمع کند، البته نه سنگ هایی که استعمال شده است، نه! سنگ ها باید بکر باشند و استعمال نشده باشند. انسان می تواند از همین بیابان های خود منی هم سنگ ها را جمع کند! در مشعر بهتر است و خوب است که انسان به افراد دیگر توصیه کند که برای او جمع آوری کنند.

سؤال: در مورد خانم هایی که عذر دارند و شما فرمودید از یک درب مسجد شجره وارد و از درب دیگر خارج شوند، با توجه به شلوغی مسجد نمی شود از یک درب وارد و از درب دیگر خارج شد و به خاطر زیادی جمعیت ممکن است در آنجا وقوف حاصل شود؛ لطفاً توضیح دهید.

جواب: نه، آن قدر شلوغ نیست که این کار را هم نشود کرد! نه خیر، انسان می تواند این را انجام بدهد و

جمعیت خیلی آن چنان نیست و تا به حال سابقه نداشته است که به این حد باشد که انسان نتواند انجام بدهد! علی کلّ حال اگر هم نشد، همان محوطه و محیط مسجد شجره هم برای احرام کفایت می کند و آن افرادی که عذر دارند می توانند در همان خارج از مسجد شجره مُحَرَّم بشوند؛ زیرا در احرام، توقف در خود آن نقطه به خصوص شرط نیست، بلکه محاذی با آن هم برای احرام بستن کفایت می کند.

سؤال: اگر زن در میقات حائض باشد و می داند که تا پایان وقت عمره تمتّع پاک نمی شود، به چه نیتی مُحَرَّم شود؟

جواب: نیت فرق نمی کند و نیت، همان نیت احرام و همان نیتی است که همه می کنند.

سؤال: اگر زمان حج فرا برسد و در عذر باشد چه نیتی کند؟

جواب: در آن موقع، آن احرام متبدّل به حج می شود بدون نیت دیگر! همان احرام او متبدّل به حج می شود، بعد می رود و اعمال حج و عرفات و منی و مشعر را انجام می دهد و بعداً می آید اعمال آن عمره را به اضافه اعمال حج انجام می دهد و هیچ اشکالی هم پیش نمی آید.

سؤال: آیا زن به صرف اینکه پس از پایان هفت روز از حیض در ظاهر و لباس پاک باشد، همین کفایت می کند یا اینکه باید بررسی هم کند؟

جواب: نه، اگر وقت او مشخص است و عادت او عادت وقتیه است، به صرف اینکه پاک شد کفایت می کند و تفحص و ... هم لازم نیست.

نماز میت در حج

سؤال: نماز میتی که آنها بر مرده هایشان بعد از نماز واجب می خوانند، ما در آن وقت چه کار کنیم؟

جواب: شما می توانید در همان وقت نماز میت را اقتدا کنید، ایراد ندارد.

احکام و آداب متفرقه حج

سؤال: باید طواف و سایر اعمال برای اطاعت خداوند انجام شود و از ریا و خودنمایی به دور باشد، حال اگر قصد ما از انجام عمل ریا نباشد، یعنی در نیت عملمان این نیست که در نماز یا طواف یا سایر اعمال عبادی ریا کرده، ولی همیشه در هنگام انجام عمل این مسئله با ما همراه است که نکند ریا شود و گاه از ترس اینکه نکند این مسئله ریا باشد حتی برعکس نماز را سریع تر انجام می دهیم!

جواب: در اینجا نباید انجام بدهیم؛ خود همین تصویری که در موقع نماز می کنیم شیطان است! یعنی همین که تصور می کنیم: «نکند ریا باشد!» خودش شیطان است! بنابراین نفس تصور باطل است و تند خواندن نماز هم باطل است و هرچه را که بر آن مترتب است همه باطل در باطل است! به محض اینکه این تصور می شود که: «نکند ریا باشد!» باید بدانیم که این تصور را شیطان انداخته است و نباید توجه کنیم و باید

دنبال اعمال و دنبال کارمان باشیم.

سؤال: آیا لازم است که به هر کدام از محل های مقدّسه، اعم از مسجدالحرام و طواف به دور آن یا سعی و عرفات رسیدیم، به اسرار باطنی هر محل و هر عمل نیز فکر کنیم و خود را متمرکز در آن کنیم یا فقط به خدا فکر کنیم؟

جواب: عرض کردم؛ نه، نیاز نیست که انسان مدام فکرش را نسبت به این قضایا [متمرکز کند!] اگر بداند که خوب است، بالأخره این مطالب را هم در ذهن به همراه داشته باشد؛ اما اینکه فقط بنشیند و ذهنش را متمرکز کند و خودش را به اذیت بیندازد، نه! ما به این کیفیت تکلیف نداریم.

سؤال: فرمودید که انسان [وقتی که] از مگّه برمی گردد، این حالت را با خودش نگه دارد؛ در ارتباط با دیگران چه کار کنیم؟ هرچقدر که ارتباطمان را با دیگران کم کنیم ولی در مورد دیدار پدر و مادر که سفارش شده است، [ولی] غیبت می کنند و از مسئله غیبت ناراحت هستیم؛ چه می شود؟

جواب: دیگر بنده متعهد مطالب و ارتباطات افراد نیستیم! آنچه را که بنده عرض می کنم، آن چیزی است که به نظر می رسد و پیاده کردن این مطالب دیگر بر عهده بنده و امثال بنده نیست. انسان باید حال خودش را حفظ کند، دیدن پدر و مادر هم لازم است، حالا آنها غیبت می کنند لازم نیست که انسان برود با غیبت آنها همدم بشود و دو تا هم خودش روی آن بگذارد! آنها در آن مجلس غیبت می کنند، انسان یک سلامی می کند و یک علیکی می کند و مدتی می نشیند و بلند می شود می آید! این رفتن و همرنگ شدن و نشستن باعث می شود که انسان کدورت پیدا کند و آن یافته های خود را از دست بدهد؛ و انسان می تواند ترتیبی بیندیشد تا اینکه کمتر در معرض این گونه مسائل قرار بگیرد. علی کلّ حال انسان باید ارزش و قیمت این حالات را بداند و خلاصه، به این زودی و به این مجانی اینها را از دست ندهد.

سؤال: نماز شب عرفه چگونه است؟ شکسته است یا کامل؟ ظهر عرفه به چه صورت است؟

جواب: آنچه را که فعلاً در عرفات انجام می دهند و بنده دیده ام، نماز را تمام می خوانند؛ به این لحاظ که می گویند: «وقتی ما به مگّه می آییم، قصد مگّه و اطراف می کنیم به یک عنوان! بنابراین چون ده روز می مانیم عرفات هم جزء قصد ما حساب می شود؛» ولی این طور صحیح نیست! کسی که در یک جا قصد کند، حتی اگر ده روز هم مانده باشد وقتی که یک شب خارج بشود قصد آن ده روز شکسته می شود! البته این نظر همه نیست. بنابراین نماز شب عرفه تمام است، چون هنوز آن قصد مگّه به حال خودش باقی است؛ ولی وقتی که یک شب را خارج از مگّه به سر بردیم، از فردا نماز شکسته می شود! بنابراین نماز ظهر و عصر شکسته است، نماز مشعر هم شکسته می شود، نماز منی و تمام اینها هم شکسته می شود.

سؤال: فرمودید کسی که می تواند پول بدهد باید اسم بنویسد و منتظر رسیدن نوبت برای حج نشود،

سؤال می‌کنند که آیا این‌طوری حقی از دیگران که در نوبت هستند ضایع می‌شود یا در غیر این صورت به چه نحو است؟

جواب: ضایع شدن حق از هر شخصی به هر نحوی باطل است و اگر بخواهد حجّی به این نحو انجام شود، حج او باطل است! یعنی اگر الآن کسی خارج از نوبت برود، چه سفارش و چه غیر سفارش، دیگر ما نمی‌دانیم به چه نحوی است، و این مسئله موجب شود که نوبت افرادی که در نوبت هستند به تأخیر بیفتد، این حج باطل است! بله، اگر شخصی متمکن است و می‌تواند بدون طریق عادی و ظاهری به حج برود، اگر صدمیلیون هم شده باید بدهد! این حرف، مطلبی است که بنده عرض کردم؛ کسی که متمکن است ولو یک میلیارد هم بدهد، نمی‌تواند به تأخیر بیندازد و طبق نوبت بخواهد برود! باید برود و خود استطاعت اقتضا می‌کند که حج را انجام بدهد. بله، اگر از آن طریق نشد و از طریق معمول شد، نباید حق دیگران را تضییع کند! اگر بکند، حج او باطل است! باید صبر کند که به نوبت برسد.

سؤال: کمربندی که داده‌اند تا زیر لباس احرام و برای نگه داشتن آن ببندیم و پرس و چسبی است، اشکال دارد یا خیر؟

جواب: نه، اشکالی ندارد.

سؤال: اگر در مکه یا مدینه در هتل نماز بخوانیم، باید کامل خواند یا شکسته؟

جواب: عرض کردم که می‌شود نماز را در مکه و یا مدینه، در هر نقطه آن تمام خواند.

سؤال: آیا می‌توانیم روزه بگیریم؟

جواب: نه خیر، روزه فرق می‌کند؛ انسان می‌تواند در جایی روزه بگیرد که قصد ده روز کند! گرچه نماز تمام است ولی مسئله روزه با نماز فرق می‌کند.

سؤال: در مورد چراغانی کردن و پلاکارد زدن حاجیان پس از بازگشت چه نظری دارید؟

جواب: البته اشکال ندارد و مسئله ایرادی ندارد، ولی امروزه این قضیه و مطلب به چشم و هم‌چشمی و اعتبارات و ... رسیده است و هرچه چراغانی بیشتر باشد و قربانی بیشتر باشد [بیشتر موجب چشم و هم‌چشمی است!] الآن به این وضعیت و به این کیفیت است؛ برای اینکه دیگران متوجه بشوند که حاجی آمده است ایراد ندارد، ولی نباید به نحوی باشد که تداعی شود این مطلب و قضیه در این باب دارد جلو می‌رود! البته بنده در زمان مرحوم آقا ندیدم که ایشان به کسی توصیه کرده باشند که این کار را انجام بدهد و روی این حساب بهتر است که ما هم دست از این مسائل برداریم.

قربانی در حج

سؤال: آیا اگر خودمان برای قربانی برویم، در رسیدن به سرّ باطن مؤثر است؟

جواب: قضیه فرقی نمی‌کند؛ البته بهتر است که در وهلهٔ اول خود حاجی قربانی کند و اگر نمی‌تواند، دستش را روی دست ذابح بگذارد و خودش [قربانی را] انتخاب کند، همهٔ اینها مستحب است و بهتر است که انسان نیابت ندهد؛ ولی فعلاً با شرایط فعلی کاری جز نیابت نیست! بنابراین خوب است که انسان روی این مسئله خیلی توجه و اصرار نکند. الآن مسائل فرق و تفاوت کرده است.

شک در اعمال حج

سؤال: آیا با شک به اینکه نماز طواف اشکال پیدا کرده است می‌توانیم دوباره اعاده کنیم؟

جواب: نه‌خیر، اعاده کردن نیاز نیست، بلکه وسوسهٔ شیطان است! اگر بعد از نماز برای انسان شک پیدا شود، مثل نماز صبح و مغرب و عشا است و چطور انسان نباید به شک بعد از نماز اعتنا کند، نماز طواف هم همین است. این را رفقا بدانند که هیچ فرقی به اندازهٔ سر سوزنی بین نماز طواف و نماز صبح نیست و یک سر سوزن تفاوت نمی‌کند! نماز صبح را چطور می‌خوانیم؟ شک می‌کنیم؟ شبهه می‌کنیم؟ وسوسه و خیال برای شما پیدا می‌شود؟ نه! نماز را می‌خوانید و بعد هم می‌روید سر صبحانه یا مشغول سورهٔ یس و دعای صباح می‌شوید و دیگر هر کسی [به دنبال کار خود است؛] این هم همین است و فرقی نمی‌کند! این هم نماز است.

اینکه آمده‌اند نماز طواف را در یک وضعیت خاصی قرار داده‌اند و غولی از آن درست کرده‌اند، تمام اینها چرندیات است! چرند در چرند است! صاف دارم خدمت شما می‌گویم! تمام اینها همه خلاف است! نماز طواف عین نماز صبح می‌ماند، حمد و سورهٔ آن همان است، خیلی به خودتان فشار نیاورید! [اینکه متوجه باشید] مخارج را رعایت کنید، همهٔ اینها شما را از خدا دور می‌کند! انسان باید در نماز به خدا توجه داشته باشد! مطلب مرحوم آقا در روح مجرد را خوانده‌اید که آقای حداد چه گفتند؟^۱ همین را در نماز طواف انجام بدهید! نه به «عین» آن نگاه کنید، نه به «ضاء» آن نگاه کنید، نه به «طاء» آن نگاه کنید و نه ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾^۲ را بیچایید و بالا ببرید! تمام اینها [انسان را از خدا دور می‌کند!] بله، باید انسان قرائت خودش را تصحیح کند و این چه در نماز صبح و چه در نماز طواف، در هر دو لازم است! تصحیح کردن قرائت یک مطلب است و انصراف از معنا و توجه به پروردگار به لفظ یک مطلب دیگر است! این باطل است و آن واجب است؛ انسان باید مخارج را صحیح ادا کند، انسان باید الفاظ را صحیح ادا کند، اما نه اینکه موقع مکّه به‌خاطر مسائلی و به‌خاطر ترس از چیزهای دیگری تازه به یادش بیفتد و بخواهد سراغ الفاظ و سراغ مخارج حروف و ... برود! نه‌خیر، همین الآن هم لازم است که ما الفاظ را تصحیح کنیم و تجویدمان را تصحیح کنیم و مخارج حروف را

۱. روح مجرد، ص ۱۶۱ - ۱۶۴.

۲. سوره حمد (۱) قسمتی از آیه ۷.

بشناسیم و تمام اینها برای نماز لازم است؛ ولی نماز طواف هیچ فرقی به اندازه سر سوزن ندارد! در موقعی که می‌خواهید نماز طواف بخوانید فقط به خدا توجه کنید و بس! اینکه چه دارید می‌گویید و حمد را چگونه خواندید و ... تمام اینها همه و ساوس شیطان است. و هرچه هم بیشتر طول بکشد بهتر است، سوره‌های بزرگ بخوانید، البته اگر اقتضا می‌کند، و الا در آنجا شلوغی و ... برای سوره‌های کوچک هم مجال نمی‌دهد که انسان بخواند! ولی علی‌کل‌حال اگر کسی جایی پیدا کرد و سوره‌ای که می‌خواند بزرگ‌تر باشد چه بهتر! در قنوت هر دعایی که دلتان می‌خواهد بکنید، خیلی با حالت باز و با حالت گسترش، فقط و فقط توجه به پروردگار [داشته باشید] و بدون وسوسه خاطر و بدون تشویش و بدون تردید [به اعمال پردازید] و بدانید که تمام اینها به جای اینکه شما را به خدا نزدیک کند دارد دور می‌کند! حقیقت مسئله همین است.

سؤال: آیا می‌توانیم برای وضو به جای اینکه آب روی دستان بریزیم، دستان را زیر شیر آب بگیریم و بعد مسح بکشیم؟

جواب: ایراد ندارد.

سؤال: مقداری وجوهات شرعی بدهکار هستیم، بعد از حساب کردن چقدر برای پرداخت آن وقت داریم؟

جواب: دیگر هر کسی خودش می‌داند.

بهترین عمل برای پدر و مادر

سؤال: بهترین عمل برای پدر و مادری که از دنیا رفته‌اند چیست؟

جواب: بهترین عمل این است که انسان آنها را در عمل خودش شریک قرار بدهد؛ یعنی بگوید خدایا، ثوابی از این اعمال من برای آنها هم بفرست! انسان بهتر است برای آنها دعا کند، انفاق کند، کمک به فقرا کند، نماز بخواند، طواف انجام بدهد، اینها اموری است که ثواب و نتایج آن به آنها عائد خواهد شد.

سؤال: اگر گوسفند را با ماشین آلات برای قربانی سر ببرند چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که «بسم الله» گفته شود ایراد ندارد.

سؤال: اگر کسی تکیه کلامی دارد که دیگران آن را فحش می‌دانند، ولی قصد او فحش دادن نیست و بی‌اختیار از دهان او بیرون می‌آید، آیا باید گوسفند بکشد؟

جواب: نه، نیازی به کشتن گوسفند نیست؛ ولی باید ملاحظه کند که آن تکیه کلام را عوض کند و مراقبت کند تا اینکه این عادت برای او تغییر پیدا کند.

چه وقت حج واجب می‌شود؟

سؤال: این جانب از رفقای طهران هستم و شوهر بنده امسال عازم خانه خدا هستند و به جای پدر شوهرم

می‌روند (یعنی به جای پدرشان می‌روند)، پدر شوهر بنده پارسال اول دی‌ماه به رحمت خدا رفته است و امسال که نوبت مشرف شدن ایشان به اتفاق همسرشان بود، قسمت ایشان شده است؛ بفرمایید وظیفه شوهر بنده چیست؟

جواب: اگر برای شوهر ایشان حج واجب شده است، جایز نیست از طرف پدرشان بروند و باید اول خودشان بروند! این فردی که می‌خواهد از طرف پدر به مکه برود، در صورتی می‌تواند نیابت از طرف پدر داشته باشد که یا خودش مستطیع نباشد و یا اینکه قبلاً حج را انجام داده باشد؛ اگر شخصی امسال مستطیع است، نباید از طرف پدر برود! اگر برود هم حج پدرش و هم حج خودش باطل است؛ یعنی نه به حساب پدرش حساب می‌شود و نه به حساب خودش حساب می‌شود. اگر منظور از این نوشته این است باید این شخص به اتفاق همسرشان همان حجی را که نوشته‌اند و ثبت‌نام کرده‌اند بروند.

سؤال: در ضمن نمی‌توانند برای پدرشان نائب بگیرند، زیرا مبلغ هشتصد الی یک میلیون تومان برای نیابت از پدر شوهرم می‌خواهند و این برای شوهرم سنگین است؛ بفرمایید تکلیف چیست؟

جواب: از اینجا معلوم می‌شود که حج برای خود ایشان واجب است و خود ایشان ثبت‌نام کرده‌اند! نه‌خیر، نباید ایشان از طرف پدرشان بروند و باید از طرف خودشان به اتفاق همسرشان به حج بروند؛ بعد اگر مستطیع شدند از طرف پدرشان هم در سال‌های آینده به نیابت بروند و انجام بدهند (یا خودشان و یا نائب بگیرند).

دیدن امام زمان

سؤال: دستوری که آیا این چشمان ناسوتی می‌تواند جمال زیبای حضرت حجّة بن الحسن را مشاهده نماید؟

جواب: ملاقات با امام علیه السّلام در اختیار ما نیست، بلکه این مسئله به عنایت خود آن حضرت بستگی دارد. خود آن حضرت با اراده خود و با میل خود، خود را به بعضی‌ها می‌نمایاند و به بعضی‌ها نمی‌نمایاند و انسان نباید به دنبال این باشد که در آنجا بخواهد حضرت را ببیند! عرض کردم که در آنجا فقط باید انسان توجه خود را متمرکز در توحید کند و امام علیه السّلام هم از ما همین را می‌خواهد. حال فرض کنید که انسان در آنجا حضرت را دید، خب چه شد؟ من عکس حضرت را درمی‌آورم و به همه نشان می‌دهم، فرض کنید این عکس حضرت است، خب باز هم ما می‌خواهیم چیز دیگری از حضرت ببینیم؟ خب دیدیم دیگر! خود حضرت در آنجا از شیعیانشان می‌خواهند همان راهی را بروند که خود ایشان برای کمال و برای تربیت شیعیانشان می‌خواهند؛ و دستوری که داده شده این است که ما در آنجا در تحت ولایت آن حضرت باشیم و ولایت آن حضرت را که عین توحید است در نظر بیاوریم! اما اینکه دیدن ظاهری را هم قصد کنیم، این را به

خود آن حضرت واگذار کنیم؛ اگر عنایت و لطف حضرت شامل حال ما شد، خب حضرت خودشان را یا در ظاهر یا در خواب و یا به وسیله دیگر نشان می دهند؛ هزار راه هست. و اگر نه، باید بدانیم که این مطلب هیچ ارتباطی به مسئله ما و توفیق ما و حج ما و قبولی ما ندارد و آن دیگر مصلحتی است که خود آن حضرت در نظر می گیرند.

سؤال: آیا مداومت ذکر شریف «یا عزیز» و «یا علیم» می تواند ما را کمک کند؟

جواب: بنده اطلاعی نسبت به این مطلب ندارم.

سؤال: موهایی که حلق می شود، لازم است که دفن شود؟

جواب: مستحب است! مستحب است که در همان منی دفن شود.

هدف از زیارت حج

سؤال: وقتی چشمان ما به حرم مطهر افتاد چه ذکر را به زبان جاری کنیم؟

جواب: عرض کردم: ذکر لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و اللَّهُ أَكْبَرُ و لا حول و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، این اذکار توحیدیّه و یا

صلوات بر پیغمبر و ائمه علیهم السلام چیزهایی است که بنده در این مورد به خاطر دارم و همان طوری که ذکر شد باید همۀ توجهات منحصر به ذات اقدس پروردگار باشد و همان طور که در مطالب گذشته عرض کردم:

مسئله در مدینه فرق می کند، در مکه تفاوت می کند و حتی از مرحوم آقا شنیدم که ایشان می فرمودند:

طوافی را که می خواهید انجام بدهید، این طواف را برای پیغمبر انجام بدهید! به آن شخصی هم که در نیت دارید ثواب خواهد رسید و بیشتر هم خواهد رسید! ولی طواف ها همه برای پیغمبر باشد، نیت برای رسول خدا باشد، نمازی که می خوانید برای رسول خدا باشد؛ عمل در آنجا فقط توجه به خداوند و نیت و ثواب برای رسول خدا است.

این بهترین راهنمایی است که بزرگان نسبت به مطلب کرده اند.

خب امیدواریم که إن شاء الله همه رفقا با این هدف و با این نیت و با این خصوصیات حرکت کنند و بروند و وارد این دریا بشوند و خلاصه تا جایی که عمق دارد [فرو] بروند! ترسند! خود را رها کنند! خیال نکنند که آنجا محل برای زیارت بزرگان و اولیای خدا است و ترس آنها را بگیرد که ما در اینجا راه نداریم و ما در اینجا قابل نیستیم! نه، خودشان را رها کنند تا اینکه از آن نعمات الهی بر آنها ببارد، و هر چه بیشتر سعه خود را از آن جذبات و از آن انوار بیشتر کنند و تصور نکنند که این حالات و این جذبات و این جلوات برای عده ای خاص است! نه خیر، خداوند این راه را برای همه باز کرده است و انسان باید خودش را در این دریا بیندازد و رها کند تا اینکه بتواند با رها کردن آن طائر وصل را در آغوش بگیرد که خداوند متعال این سفر را برای این امر اختصاص داده است.

باید کاملاً در موقع مراجعت دقت کنیم، باید آن حال و هوا را حتی‌الإمكان در خودمان حفظ کنیم و ارتباطات را کم کنیم، حتی صحبت غیر حرام را هم کمتر کنیم، چون خود صحبت کردن مدام از مایه می‌برد و مدام از کیسه انسان خالی می‌کند! ولو صحبت‌های عادی باشد! به مسائل حج فکر کنیم، حالاتی که در آنجا برای ما پیش آمده است را مدام در ذهن بیاوریم، شب‌ها وقتی که می‌خواهیم بخوابیم با همان حال و احوال به خواب برویم؛ همه اینها موجب می‌شود که تأثیرات حج و آن بارقه‌ها و جاذبه‌هایی که خداوند برای زوَّار خودش قرار داده است بتواند بیشتر استقرار پیدا کند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ